اعتراف مرد جنایتکار به قتل همسر و دختر

مرد جنایتکار که همسر و دخترش را در خانه‌ای در بلوار فردوس تهران خفه کرده بود، عصر دیروز سکوت خود را شکست و به قتل اعتراف کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از شامگاه یکشنبه و به دنبال گزارش قتل مادر و دختری در بلوار فردوس در دستور کار پلیس قرار گرفت.

ماموران پس از حضور در محل جنایت با جسد زن ۴۴ ساله و دختر ۱۳ ساله‌اش در اتاق های جداگانه خفه شده بودند.

با توجه به این‌که آثار ورود به زور و سرقت در خانه دیده نمی‌شد، ماموران به پدر خانواده مشکوک شدند و او دستگیر شد. مرد میانسال مدعی بود، روز حادثه قرار بوده همراه همسر و دخترش به تبریز و سپس ترکیه بروند اما وقتی به خانه آمده با جسد همسر و دخترش رو به رو شده است. بازجویی از متهم ادامه داشت تا این‌که دیروز به قتل همسر و دخترش با انگیزه اختلاف خانوادگی اعتراف کرد.

خانواده استاد چگونه راضی به بخشیدن محمدعلی نجفی شدند

تکه‌های پازل یک بخشش

گمانه‌زنی‌ها درباره رضایت خانواده میترا استاد خیلی زود به واقعیت پیوست و شهردار اسبق تهران از مجازات مرگ نجات پیدا کرد. حالا نجفی دوباره برای محاکمه به دادگاه کیفری یك استان تهران منتقل می‌شود، اما این‌بار خیالش راحت است و سایه طناب دار از روی سرش برداشته شده است.

به گزارش خبرنگار جام جم، پس از صدور حکم قصاص کافی بود مصاحبه‌های مسعود استاد و صحبت‌های وکیل نجفی را کنار هم می‌چیدید تا پازلی کامل شود که روی آن نوشته شده بود: «بخشش».

البته به نظر می‌رسید، خانواده استاد قصد تنبیه داماد سابق خود را داشته باشند و او را تا پای چوبه دار ببرند و بعد ببخشند، اما آنها قبل از رسیدگی به پرونده در دیوان عالی کشور به جمع‌بندی رسیدند و دیروز تصمیم خود را علنی کردند.

معامله نکردیم

در حالی که پیش از این اعلام شده بود، اولیای دم برای رضایت دیه میلیاردی گرفته‌اند، برادر مقتول عنوان کرد برای خون خواهرش معامله‌ای نکرده‌اند. البته این گمانه زنی وقتی قوت گرفت که وکیل اولیای دم در جلسه دادگاه اعلام کرد، خانواده موکلش هزینه روانشناس برای پسر مقتول را ندارند.

در پست اینستاگرامی که دیروز مسعود استاد منتشر کرد، آمده است: «قصه ما به سر رسید، قصه‌تان بی‌غصه باد، هفتم خرداد ۹۸ تلفنم زنگ خورد و زندگی‌مان چرخی خورد. خبر کوتاه بود و خبرنگاران زیاد.

تا به خود آمدم خواهرم بود و خون و جنازه و مردی مشهور به سیاست، وزیرخوشنام، شهردار پرطمطراق سابق، معاون و مشاوری امین برای بالاترین مقام اجرایی کشور، حامی حقوق زنان ولی قاتل زن خودش.

مرد باشوکت دیروزمان را، بیچاره مرد گرفتار در پنجه عدالت دیدم که حتی قادر به تکلم صریح دیروز نبود. پدرم زیر گوشم گفت حضرت عزرائیل توسط این مرد جان دخترم را گرفت و من تسلیم اراده خداوند هستم، مادرم نیز چشم در چشم او شد و گفت به خدا واگذارت کردم، فرزند مقتول هم از دادستان تقاضای قصاص کرد.

و اما در آخر داستانمان به واسطه پادرمیانی بزرگان کرمانشاه، کشور و همچنین وکلای عزیزمان آقای مسعود افرازه و محمود حاجلوئی، پدرم، مادرم و مهیارمان، آقای محمدعلی نجفی را بخشیدیم و از خون عزیزمان گذشتیم و خرسندیم که هیچ معامله‌ای با خون آن بزرگوار نکردیم و امیدوارم آقای محمدعلی نجفی در این چند صباح باقیمانده به دور از سیاست به تزکیه نفس بپردازد. اجر همه خیرخواهان و هدایت همه بدخواهان به راه راست را از درگاه خداوند متعال مسألت دارم.»

ساعتی بعد از پست اینستاگرامی مسعود استاد، وکلای اولیای دم هم بخشش قاتل را تایید کردند.

میترا استاد - همسر دوم محمدعلی نجفی شهردار سابق تهران - صبح روز سه‌شنبه ۷ خرداد با شلیك گلوله به قتل رسید. عصر همان روز نجفی به قتل همسرش اعتراف و انگیزه خود را اختلافات خانوادگی عنوان کرد.

علی القاصی‌مهر دادستان عمومی و انقلاب تهران، اتهامات محمدعلی نجفی را قتل عمد خانم میترا استاد، حمل و نگهداری سلاح غیرمجاز، ایراد صدمه بدنی عمدی منتهی به جرح (غیرفوتی) اعلام کرد.

سه جلسه رسیدگی به پرونده قتل میترا استاد در شعبه ۹ دادگاه کیفری یك استان تهران به ریاست قاضی محمدی کشکولی برگزار شد و قضات دادگاه او را به قصاص و حبس محکوم کردند.

> خانواده میترا استاد در حالی نجفی را بخشیدند که او و وکیلش همچنان به رای دادگاه اعتراض دارند

واکنش‌های استاد به بخشش نجفی

۹ خرداد	خواهر عزیزم! تا حق قانونیت را از افراد رذل و پستی که دسیسه قتل برایت چیدند، نگیرم از پای نخواهم نشست
۲۳ تیر	بعضی مسائل را فعلا افشا نمی‌کنم فقط قصاص می‌خواهیم
۱ مرداد	همچنان قصاص می‌خواهیم
۷ مرداد	احتمال بخشش، یک درصد است
۱۴ مرداد	احساس می‌کنم اگر با قصاص، جان کسی را بگیرم من هم قاتلم
۲۳ مرداد	از خون عزیزمان گذشتیم

وکیل نجفی در گفت‌وگو با جام جم:

هنوز به رای دادگاه اعتراض داریم

در حالی که به نظر می‌رسید، با رضایت اولیای دم نجفی از جنبه عمومی جرم محاکمه شود، وکیل شهردار اسبق تهران اعلام کرد همچنان به حکم دادگاه اعتراض دارند.

حمیدرضا گودرزی در گفت‌وگو با جام جم درباره روند پرونده بعد از بخشش اولیای دم گفت: ما در حال اعتراض هستیم که پرونده به دیوان‌عالی کشور برود. ما اعتقاد به قتل شبه‌عمد داریم و اعتراض خود را به دادگاه ارائه می‌دهیم.

وکیل مدافع محمدعلی نجفی با بیان این‌که قتل میترا استاد را شبه عمد می‌داند، گفت که با وجود اعلام گذشت اولیای دم مقتول، به رای صادره از سوی شعبه ۹ دادگاه کیفری یك تهران درباره این پرونده، اعتراض می‌کند.

وی ادامه داد: با اعتراض ما پرونده به دیوان‌عالی کشور ارسال می‌شود اگر اعتراض ما رد شود، حکم قصاص به خاطر رضایت اولیای دم نقض شده و برای رسیدگی از جنبه عمومی جرم به دادگاه برمی‌گردد. اگر هم اعتراض ما قبول شود، پرونده احتمال دارد برای رسیدگی به شعبه هم‌عرض ارسال شود.

وی افزود: با اعتراض ما پرونده به دیوان‌عالی کشور ارسال می‌شود و اگر دیوان‌عالی کشور رای پرونده را نقض کند، آن را برمی‌گرداند و دادگاه وارد رسیدگی به مبحث عمومی جرم می‌شود، اما ما اعتراضمان این نیست زیرا ما قتل را شبه عمد می‌دانیم و به همین دلیل اعتراضمان را از این منظر به دادگاه ارائه می‌دهیم تا پرونده به دیوان‌عالی کشور ارسال شود و فرجام خواهی می‌کنیم.

وکیل مدافع محمدعلی نجفی درباره رضایت اولیای دم هم گفت: بعد از برگزاری بیش از ده جلسه با اولیای دم سرانجام آنها روز سه‌شنبه رضایت رسمی خود را اعلام کردند. روز چهارشنبه هم در ساعات پایانی فعالیت دادگاه آن را به شعبه نهم دادگاه کیفری یك استان تهران ارائه کرده و ثبت کردیم.

گودرزی درخصوص درخواست اولیای دم در برابر بخشش صحبت نکرد.

پشت صحنه یک جنایت

راننده مسافربر جزئیات قتل در بزرگراه را تشریح کرد

برق طلا، جان مسافر زن را گرفت

برق طلاهای زن مسافر، راننده را وسوسه کرد تا جنایتی هولناك را رقم بزند. جنایتی که راز آن خیلی زود فاش شد و قاتل را در برابر مجازات مرگ قرار خواهد داد. این هفته در «پشت صحنه یك جنایت» به پرونده قتل زنی در بزرگراه صیاد شیرازی پرداختیم که در ادامه، جزئیات جنایت و اعترافات قاتل را می‌خوانید.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، روز چهارم مرداد امسال جسد زن ۴۵ ساله‌ای که براثر ضربه‌های سنگ به سرش به قتل رسیده بود، در میان شمشادهای بزرگراه شهید صیاد شیرازی کشف شد. چند ساعت از مرگ او می‌گذشت و خراش‌های روی دستانش نشان می‌داد با قاتل درگیر بوده تا خود را نجات دهد که نتوانسته بود. کیف و گوشی تلفن همراهش سرقت شده بود. همچنین قطعه سنگی اطراف محل حادثه پیدا کردند که نشان می‌داد این زن با همان سنگ به قتل رسیده است. با دستور بازپرس جنایی تهران تحقیقات پلیسی آغاز شد. ماموران در بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل کشف جسد تصاویری از مقتول به دست آوردند که سوار خودروی تاکسی بوده است. از سوی دیگر با بررسی پرونده افراد ناپدید شده، هویت مقتول شناسایی شد. شوهر این زن در تحقیقات گفت: همسرم روز حادثه طلاهایش را به بانك کارگشایی برد تا وام بگیرد اما ناپدید شد.

اوایل هفته جاری نیز راننده تاکسی ۴۳ ساله فراری در خانه‌اش در شهرری شناسایی و بازداشت شد. او در بازجویی اولیه منکر قتل شد، اما در ادامه اعتراف کرد که زن مسافر را با انگیزه سرقت طلاهایش به قتل رسانده تا با فروش طلاها، بدهی‌اش به بانك بابت خانه اش را بپردازد و اکنون پشیمان است.

با اعتراف وی ماموران خانه‌اش را بازرسی کرده و کیف مقتول را همراه بخشی از طلاها و گوشی تلفن همراه زن جوان پیدا کردند

می‌خواستم بدهی‌ام به بانک را بدهم

محمدرضا، ۴۳ ساله متاهل است. تا سوم راهنمایی درس خوانده و با تاکسی هزینه زندگی‌اش را تامین می‌کرد. متهم به قتل در گفت‌وگو با جام جم به تشریح انگیزه‌اش از این جنایت پرداخت که در ادامه می‌خوانید.

مقتول را می‌شناختی؟

او چند پیش به عنوان مسافر، سوار خودرویم شد. می‌گفت زیاد از خودروی دربستی استفاده می‌کند بنابراین شماره تلفن همراهم را گرفت و قرار شد اگر خواست جایی برود، او را ببرم و کرایه بگیرم. روز حادثه او را به عنوان مسافردربستی سوار کردم.

چه شد به فکر قتل افتادی؟

ابتدا نقشه قتل نداشتم. ابتدا به چند جا رفته و بعد به بانك کارگشایی در محله مولوی رفتیم. کارت ملی همراهش نبود و کار بانکی‌اش انجام نشد. می‌گفت شاید کارت را گم کرده چون کیف پولش هم نیست. مسیرهایی که رفته بودیم را برای جست‌وجو بازگشتیم. وقتی گوشی‌اش را برداشت برق طلاها را از داخل کیفش دیدم. بعد گفت این طلاها را که هفت حلقه النگوی طلا و انگشتر است آورده بوده در بانك بگذارد و وام بگیرد. زمانی که به بزرگراه رسیدیم وانمود کردم چیزی در میان شمشادها مثل کیف دیدم. توقف کردم. او پیاده شد رفت تا موضوع را بررسی کند که دنبالش رفتم و با برداشتن قطعه سنگی از محل، ضربه‌ای به سرش زدم که با من درگیر شد و ضربه‌های بعدی را زدم و دیدم نفس نمی‌کشد. سوار خودرویم شده و به سرعت از محل دور شدم.

بعد از قتل کجا رفتی؟

تلفن همراهش را خاموش و کیف سرقتی را در صندوق عقب خودرویم گذاشتم تا ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه در تهران مسافر جا به جا کرده و بعد با خرید نان به خانه‌ام در شهرری رفتم و کیف حاوی طلاها را در میان وسایل در انباری خانه گذاشتم.

طلاهای سرقتی را فروختی؟

می‌خواستم آن را بفروشم و با آن بدهی‌هایم به بانك برای وام خانه را بپردازم، اما فرصتی برای فروش طلاها دست نداد.

فکر می‌کردی بازداشت شوی؟

فکر می‌کردم ردی از من در اتوبان و اطراف آن نمانده و پلیس نمی‌تواند دستگیرم کند، اما وقتی دستبند پلیس به دستانم خورد غافلگیر شدم. اگر بازداشت نمی‌شدم و طلاها را می‌فروختم و بدهی بانکی‌ام را می‌دادم شاید به شهرستان می‌رفتم و پنهان می‌شدم تا آب‌ها از آسیاب بیفتد.

ادعای عجیب رباینده نوزاد از بیمارستان شهریار

آراد را ربودم تا شوهرم برگردد

رباینده آراد کوچولو از بیمارستانی در شهریار بعداز دستگیری، جزئیات ربودن وی و ۶۷ روز نگهداری از نوزاد را تشریح کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، ۱۴ خرداد امسال پسری به نام آراد که ۱۴ ساعت از تولدش در یکی از بیمارستان‌های شهریار در غرب استان تهران می‌گذشت از سوی پرستار قلابی میانسالی ربوده شد و پلیس آگاهی غرب استان تهران در جست‌وجویش بود تا این‌که بعد از ۶۷ روز، متهم که از کار خود پشیمان شده بود، آراد دو ماهه را همراه ساك وسایلش در مقابل مسجدی در شهریار رها کرد. با یافتن نوزاد از سوی زنی نمازگزار، وی تحویل پلیس شد. ماموران وقتی مطمئن شدند این نوزاد آراد است، او را تحویل خانواده‌اش دادند.

سه روز بعد، تیم جنایی پلیس آگاهی غرب استان تهران رد متهم را در خانه‌ای در شهر اندیشه به دست آورد و او سه‌شنبه ۲۲ مرداد امسال در خانه‌اش بازداشت شد.

متهم زن ۴۵ ساله به پلیس آگاهی غرب استان تهران منتقل شد و گفت: می‌خواستم با پسرعمه‌ام ازدواج کنم که به‌خاطر مخالفت خانواده‌ام نشد و ارتباطمان قطع شد. من با مرد دیگری ازدواج کردم و دختر ۱۹ ساله و پسر ۱۶ ساله از او دارم. اما شوهرم سال ۹۰ فوت شد و با فرزندانم زندگی می‌کردم. آخرین روزهای اسفند ۹۵ بود که دوباره ارتباطم با خانواده عمه‌ام و پسر او که دلباخته‌اش بودم از سر گرفته شد. او هنوز هم به من علاقه داشت. بعد از آن به عقد موقت او درآمدم، اما دچار مشکل شدیم و او نمی‌خواست به این زندگی ادامه دهد. او به کرمانشاه بازگشت و من تحمل شکست دوباره در زندگی را نداشتم. فکر می‌کردم اگر بچه‌ای باشد او در این زندگی می‌ماند.

وی ادامه داد: به دروغ به او، بچه‌هایم، خانواده، فامیل و همسایه‌ها گفتم باردار شده‌ام. بعد از چند روز جست‌وجو زنی را یافتم که سه بچه داشت و چهارمی را باردار بود، اما وضع مالی مناسب نداشت تا کودك را نگه دارد. با او توافق کردم وقتی نوزادش به دنیا آمد، به او پول بدهم و برایش شناسنامه بگیرم و نزد خودم ببرم. قبول کردند اما زمانی که آن زن به بیمارستانی در تهران رفت و زایمان کرد پشیمان شد و زیر قولش زد. سرانجام تصمیم به نوزادربایی گرفتم، چون خیاط بودم مانتو و شلوار سورمه‌ای مثل پرستاران برای خودم دوختم، آن شب هم کمی دارو خریدم و وارد بیمارستان شدم. نگهبان را فریب دادم و گفتم پرستارم و باید داروها را به بخش زنان و زایمان ببرم که بعد از آن وارد بخش مادران شدم، از غفلت پرستاران استفاده کردم و وارد یکی از اتاق‌ها شدم. سه زن، دختر و نفر چهارم پسر به دنیا آورده بود. با دیدن نوزاد پسر وانمود کردم بند نافش دچار مشکل شده و باید او را نزد پزشك معالج ببرم که با این ترفند او را ربودم و با سوار شدن به خودروی کرایه‌ای که منتظرم بود با نوزاد به خانه ام بازگشتم. برای شوهر موقتم عکس و فیلم‌های آراد را با تلگرام فرستادم تا او نزدم بازگردد. چند هفته قبل عذاب وجدان گرفتم، دو بچه دارم و می‌دانم دوری از بچه‌ها چقدر سخت است. بعد از ۶۷ روز او را در کنار مسجد رها کردم تا نزد خانواده‌اش بازگردد.

سرهنگ مهدی سرپناه، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی غرب استان تهران در این‌باره به جام جم گفت: تحقیقات تکمیلی از متهم در پلیس آگاهی غرب استان تهران ادامه دارد.

تلنگر

درخواست دیه دزدی که توسط پلیس کشته شد

درخواست اولیای دم دزد جوان که در جریان تعقیب و گریز پلیسی کشته شده بود مبنی بر دریافت دیه از صندوق بیت‌المال از سوی قضات دادگاه بررسی می‌شود.

به گزارش خبرنگار جام جم، این تیراندازی شامگاه بیست و ششم آذر ماه سال ۹۳ و در حالی که ماموران پلیس در حال گشتزنی در یکی از خیابان‌های جنوب تهران بودند، آغاز شد. ماموران به راننده یك دستگاه پراید مشکوك شدند و به استعلام پلاك خودرو پرداختند. در بررسی‌ها روشن شد خودرو سرقتی است و چند روز قبل در شمال تهران دزدیده شده است. با افشای دزدی بودن خودرو، ماموران به راننده ایست دادند اما راننده جوان بدون توجه به هشدار پلیس بر سرعت خودرو افزود و تعقیب و گریز پلیسی آغاز شد. ماموران پلیس چند بار ایست دادند تا این‌که یکی از ماموران به نام جواد چند تیر هوایی شلیك کرد. راننده که در حال فرار بود به هشدار پلیس اعتنا نکرد و دقایقی پس از آغاز تعقیب و گریز، جواد لاستیك خودرو را نشانه رفت اما گلوله در سینه حمید ۲۵ ساله نشست. وی قبل از این‌که به بیمارستان منتقل شود به خاطر شدت خونریزی جان سپرد و جسد او به پزشکی قانونی منتقل شد.

در بررسی‌های پلیسی روشن شد حمید، دزدی سابقه‌دار بود و خودرو را چند روز قبل از یکی از خیابان‌های شمال تهران دزدیده بود.

با مرگ حمید، خانواده وی از مامور پلیس شکایت کردند و پرونده به جریان افتاد. مامور پلیس در بازجویی‌ها گفت: برای متوقف کردن دزد جوان چندبار ایست دادم و پس از شلیك تیرهوایی و با به‌کارگیری قانون اسلحه، دست به شلیك زدم. با این ادعا پرونده به کارشناسان اسلحه‌شناسی سپرده شد.

وقتی کارشناسان اسلحه‌شناسی در گزارش خود اعلام کردند، جواد پس از به‌کارگیری قانون استفاده از سلاح، دست به شلیك زده است. اولیای‌دم درخواست کردند تا دیه فرزندشان از صندوق بیت‌المال به آنها پرداخت شود. آنها طی نامه‌ای به قضات دادگاه نوشتند پسرشان بی‌گناه کشته شده و تقاضای دریافت دیه را مطرح کردند.

با این درخواست پرونده به شعبه دهم دادگاه کیفری یك استان تهران فرستاده شد. اما دیروز اولیای‌دم در دادگاه حاضر نشدند. به این ترتیب نماینده حقوقی ناجا که در دادگاه حاضر بود در جایگاه ویژه ایستاد و به قضات گفت: با استناد به ماده ۱۳ قانون نیروهای مسلح، چنانچه فردی بی‌گناه باشد و گلوله پلیس باعث مرگ وی شود، مشمول دیه خواهد شد اما با توجه به تبصره ماده ۴۱ قانون نیروهای مسلح، اولیای‌دم حمید مشمول دریافت دیه از صندوق بیت‌المال نیستند؛ چرا که قربانی این پرونده سارق بوده و چند سابقه کیفری در پرونده‌اش داشته است. از طرفی استعلام پلاك خودرویی که حمید سوار آن بوده نشان می‌دهد خودرو سرقتی بوده است؛ از این‌رو و با توجه به این‌که کارشناسان اسلحه‌شناسی در گزارشی اعلام کرده‌اند مامور پلیس با به‌کارگیری قانون استفاده از سلاح دست به شلیك زده است، به نظر می‌رسد خانواده حمید لایق دریافت دیه از صندوق بیت‌المال نیستند.

با پایان دفاعیات نماینده حقوقی ناجا، قضات وارد شور شدند تا درباره این پرونده تصمیم‌گیری کنند.

پایان اختلاف خانوادگی با شلیك مرگبار

مردی که به‌دلیل اختلافات خانوادگی خواهرزاده همسرش را با شلیك گلوله از پای درآورده بود، در اسلام‌آبادغرب بازداشت شد.

محمدرضا آمویی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه به جام جم گفت: همزمان با وقوع قتل جوانی ۳۲ ساله در کوه‌های اطراف اسلام‌آبادغرب با شلیك گلوله تحقیقات پلیسی آغاز شد.

وی افزود: ماموران پلیس آگاهی شهرستان اسلام‌آباد غرب و ماموران پاسگاه کله‌جوب در تلاش برای دستگیری متهم به قتل فراری بودند تا این‌که مخفیگاه متهم فراری در یکی از محله‌های شهر اسلام‌آبادغرب شناسایی و او بازداشت شد.

متهم دستگیر شده که فردی ۶۰ ساله است، در بازجویی‌ها به قتل خواهرزاده همسرش اعتراف و انگیزه‌اش را از این کار اختلافات خانوادگی عنوان کرد.